روزنه آبی

معرفی برگزیدگان جشنواره مونترال
سینمای ایران بی‌نصیب ماند

شرق: سی‌ونهمین جشنواره فیلم مونترال بدون اعطای جایزه‌ای به ایران، با معرفی برگزیدگان در بخش‌های مختلف به کار خود پایان داد. جایزه بهترین فیلم این جشنواره به فیلم «عشق دیوانه» از کشور فرانسه، اثر فیلیپ راموس اهدا شد. جایزه بهترین بازیگر زن را مالین موسکا به خاطر ایفای نقش در فیلم «دختر شاه» از آن خود کرد. ولفرام برگر نیز برای بازی در فیلم سینمایی «جک رایدر» موفق به دریافت جایزه بهترین بازیگر مرد شد. هیأت داوران سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم مونترال نیز جایزه ویژه خود را به فیلم سینمایی «ملاقات‌کننده» به کارگردانی مهمت اریلیماز از ترکیه اهدا کردند. «دنی لفقیق»، نویسنده اهل هائیتی، ریاست هیأت داوران این دوره از جشنواره را برعهده داشت. «ته افالک» (بازیگر/عکاس ایتالیایی)، «ونتورا پونز» (فیلم‌ساز اسپانیایی)، «پیتر راینر» (منتقد فیلم)، «ژرارد سالکدو» (مدرس سینما از مکزیک) و «لوئیس اورکیز» (فیلم‌ساز مکزیکی) اعضای هیأت داوران را تشکیل می‌دادند. البته در بخش مسابقه فیلم‌های اول، «پیترآنری دولو» (رئیس سابق بخش دو هفته کارگردانان جشنواره کن و نویسنده و منتقد سرشناس فرانسوی) به‌همراه «دونالد رانود» (مستندساز) و «آنتونی زیند» (تهیه‌کننده) نیز حضور داشتند. امسال در سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم مونترال که از ۲۷ آگوست تا هفتم سپتامبر (پنجم تا ۱۶ شهریور) در شهر مونترال کانادا برگزار شد، فیلم‌های ایرانی حضور پررنگی داشتند. فیلم سینمایی «محمد(ص)» ساخته مجید مجیدی علاوه بر مراسم افتتاحیه، به علت استقبال تماشاگران چند اکران بیشتر هم داشت. فیلم سینمایی «تابو» به کارگردانی خسرو معصومی تنها نماینده ایران در بخش رقابتی بود. «نزدیک‌تر» ساخته مصطفی احمدی هم در بخش فیلم‌های اول این جشنواره حضور داشت. در بخش تمرکز بر سینمای جهان، «مرگ ماهی» به کارگردانی روح‌الله حجازی، «اعترافات ذهن خطرناک من» ساخته هومن سیدی، «دوران عاشقی» به کارگردانی علیرضا رئیسیان و نیز «حکایت عاشقی» فیلمی از احمد رمضان‌زاده، آثار کارگردانان کشورمان بودند که روی پرده رفتند. البته کریم امینی با فیلم «روز قضاوت» نیز در این جشنواره شرکت کرده بود. گفتنی است که آخرین موفقیت سینمای ایران در این جشنواره به فاطمه معتمدآریا تعلق دارد. این بازیگر برای بازی در فیلم «اینجا بدون من» جایزه بهترین بازیگر زن را در سال ۲۰۱۱ از آن خود کرد.

عوامل «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» روی فرش قرمز
استقبال از نماینده ایران در ونیز

عکس: Gettyimages

شرق: تنها نماینده ایران در هفتادودومین جشنواره فیلم ونیز نظر منتقدان را به خود جلب کرد و «هافینگتن‌پست» و «هالیوودریپورتر» آن را اثری عمیق و باکیفیت توصیف کردند.

فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» تنها نماینده ایران در بخش افق‌های هفتادودومین جشنواره فیلم ونیز است که روز یکشنبه در دو نوبت برای اهالی مطبوعات نمایش داده شد و ساعت ۳:۴۵ دیروز، ۱۷ شهریور در سالن پالا نیز روی پرده رفت. بعد از آن هم نشست مطبوعاتی فیلم با حضور نیکی کریمی و امیر آقایی، از بازیگران، علی جلیلوند، تهیه‌کننده و وحید جلیلوند، کارگردان فیلم، برگزار شد.

نشریه هافینگتن‌پست پس از نمایش فیلم به‌سراغ جلیلوند رفته و آن‌طور که مصاحبه‌کننده گفته، او را در یکی از تراس‌های محل برگزاری جشنواره پیدا کرده است. در ابتدای این گفت‌وگو، نویسنده در ارزیابی فیلم گفته است: «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت ترکیبی از سه داستان است هرچند پیچیدگی و تعامل موجود در آن، روش فوق‌العاده فیلم‌ساز ایرانی است. سال گذشته یکی از فیلم‌های محبوب من، «قصه‌ها» اثر رخشان بنی‌اعتماد بود که از هشت داستان کوتاه ساخته شده است اما فیلم جلیلوند، برای من عمیق‌تر است چراکه به‌جای پرداختن به نیازهای روزمره یا کمبود رضایت عاطفی، به یک حس عمیق فقدان می‌پردازد. گاهی‌اوقات ما داشته‌هایمان را اهدا می‌کنیم تا زندگی بهتر و بدون منیت داشته باشیم اما احساس پوچی بیشتر از قبل به ما دست می‌دهد و این همان فرضیه محرک فیلم است».

پس از آن جلیلوند در پاسخ به این پرسش که ایده فیلم از کجا به ذهنش آمده، گفته است: «ما یک گروه هستیم که با هم کار می‌کنیم. ما روی متن فیلم‌نامه کار می‌کردیم. یک شب، ساعت دو بامداد، دوستی به من زنگ زد و گفت می‌دانم به افراد زیادی کمک کرده‌ام چون پول زیادی دارم اما از خودم می‌پرسم اگر روزی این پول‌ها را از دست بدهم و تنها ماشینم باقی بماند، آیا باز هم می‌توانم بخشش کنم؟ از همان‌جا ایده داستان خلق شد».

در بخش دیگری از این گفت‌وگو از او پرسیده می‌شود که هنرمندان به‌عنوان پیام‌رسان‌های یک جامعه هستند و نظر او را در مورد ایران و آمریکا می‌پرسند که کارگردان ایرانی چنین پاسخ می‌دهد: «من آدم سیاسی‌ای نیستم بنابراین دوست ندارم در مورد سیاست حرف بزنم اما مردم ایران و آمریکا مشترکات زیادی با هم دارند. من این را خیلی خوب می‌دانم. یک آینده فوق‌العاده».

همچنین به گزارش ایسنا، دبورا یانگ که از منتقدان «هالیوودریپورتر» و از علاقه‌مندان سینمای ایران است، در نقد این فیلم نوشت: «نوع‌دوستی سینمای ایران در میان ابرهای اندوه فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» می‌درخشد؛ فیلمی که به رنج مردم بی‌پول و فردی خیر می‌پردازد که قصد دارد به آنها کمک کند. این فیلم تقریبا نسخه‌ای از فیلم «سلام سینما» است که در آن یک کارگردان برای انتخاب بازیگر فراخوان می‌دهد و تمام بی‌کارهای شهر را جمع می‌کند، اما در فیلم «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» مبلغ قابل‌توجهی پول، جمعیت رنج‌دیده را مجذوب خود می‌کند».

در ادامه این مطلب آمده است: «گرچه داستان فیلم بسیار غمگین است اما بازی‌های قدرتمند، آن را از حالات احساسی اغراق‌آمیز دور می‌کند. نیکی کریمی نیز یکی از بهترین و پخته‌ترین بازی‌هایش را در این فیلم در نقش یک زن کارگر و مادر ایفا کرده است».

این منتقد در بررسی جزئیات فیلم گفته است: «فیلم در نگاه اول فیلمی اپیزودی و در ردیف فیلم «قصه‌ها»، ساخته رخشان بنی‌اعتماد، به‌نظر می‌رسد اما در ادامه سه درام رنج و درد و بی‌عدالتی به‌هم می‌پیوندند و در قالب یک داستان واحد دنبال می‌شوند. داستان اول فیلم، داستان لیلا (نیکی کریمی) است که با گریمی سالخورده و رنگ‌پریده در میان جمعیت پرجوش‌وخروش در یکی از خیابان‌های بالای‌شهر تهران دیده می‌شود اما خیلی نمی‌تواند منتظر بماند چون مجبور است همراه با دخترش به محل کارش که یک کارخانه بسته‌بندی مرغ است برود. اما لیلا شب و پس از کار دوباره به آن خیابان بازمی‌گردد و به جلال (با بازی امیر آقایی) برمی‌خورد؛ مردی از گذشته او که در روزنامه یک آگهی برای کمک ۳۰میلیونی به یک فرد نیازمند چاپ کرده است. این پول می‌تواند خرج عمل همسر ناتوان لیلا (با بازی وحید جلیلوند) را فراهم کند».

او ادامه داده است: «شجاعت، عشق و فداکاری لیلا برای همسرش در فیلم بسیار مؤثر و تکان‌دهنده است. نیکی کریمی وضعیت اسفناک خود را به‌عنوان یک زن با چنان نومیدی‌ای بازی می‌کند که شرایط ملودرام فیلم به یک لحظه الهام‌بخش تبدیل می‌شود. داستان دیگر درباره زنی به نام سارا (با بازی سحر احمدپور) است که با عمه و پسرعمه‌اش زندگی می‌کند. هنگامی که پسرعمه لیلا (با بازی برزو ارجمند) متوجه می‌شود که سارا پس از ردکردن پیشنهاد ازدواجش به صورت مخفیانه با فردی دیگر ازدواج کرده، هردو آنها را به باد کتک می‌گیرد. نامزد او در درگیری به زندان می‌افتد و تنها راه رهایی او پرداخت ۳۰ میلیون تومان به‌عنوان خون‌بهاست، به همین دلیل سارا نیز یکی از افرادی است که پس از خواندن آگهی روزنامه، آن روز صبح در میان جمعیت دیده می‌شود. گرچه سحر احمدپور برای اولین‌بار مقابل دوربین قرار گرفته است اما نقش‌آفرینی قابل‌ملاحظه‌ای از خود نشان داده است».

این منتقد در مورد بخش سوم این فیلم عنوان کرده است: «داستان سوم درباره جلال (امیر آقایی) همان نیکوکار مرموز است که جمعیت زیادی از مردم نگون‌بخت شهر را به زندگی خود دعوت کرده است. او فرزند پنج‌ساله خود را سال‌ها پیش از دست داده است اما هنوز نتوانسته با این موضوع کنار بیاید. جلال معتقد است این کمک ۳۰ میلیون تومانی که بهای ماشین کارکرده‌اش است، می‌تواند او را از این درد و رنج نجات دهد. اما همسرش جور دیگری فکر می‌کند و جروبحث طولانی و تلخ آنها دستمایه سکانس مهیجی در فیلم شده است».

گفت‌وگو با «امین عظیمی» طراح و کارگردان اجرای «+حقوق»
در این هزار توها فرسوده می‌شویم

فرزانه ابراهیم‌زاده

فرض کنیم برای در خواست اضافه حقوق به اتاق رئیس خود می‌روید یا او در اتاق هست یا نیست چاره‌ای ندارید جز اینکه منتظر بمانید تا به اتاقش باز گردد یا به اتاق خانه بروید... این جمله می‌تواند بخشی از یک دستورالعمل یا مقاله باشد؛ اما تکه مهمی از اجرای «+ حقوق» است که این‌روزها به کارگردانی امین عظیمی، در پلتفرم داربست گالری محسن واقع در خیابان ظفر به نمایش در آمده و تا ۲۵ شهریور هر روز در سانس‌های ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰ روی صحنه است. امین عظیمی بیش از آنکه با معدود اجراهای تئاتری‌اش شناخته شود، با پژوهش‌ها، نقدها و گفت‌وگوهایش در حوزه تئاتر و سینما شناخته می‌شود و شش سالی هم هست که در مقام مدرس در دانشگاه تدریس می‌کند. حالا این روزها به همراه گروهی از دانشجویانش، «+ حقوق» را به صحنه برده است. این اجرا براساس نمایش‌نامه‌ای از «ژرژ پرک» نویسنده فرانسوی دهه ۷۰ روی صحنه رفته و نخستین بار است که مخاطب ایرانی با اثری از این نویسنده ساختارشکن و تجربه‌گرا بر صحنه تئاتر مواجه می‌شود. او در معدود نمایش‌نامه‌هایش ازجمله «سیب‌زمینی» و «اضافه حقوق» در جست‌وجوی ساختارهای دراماتیکِ مرسوم نیست. در «+حقوق»، ما با شخصیت‌هایی روبه‌رو هستیم که بر مبنای اجزای مختلف قاعده احتمالات ریاضی دسته‌بندی شده‌اند و همچنان که امین عظیمی می‌گوید اثری است که بر پایه زیبایی‌شناسی آثار ابزورد و مبتنی بر روحی کافکایی از ترسیم جهانی گرفتار در تکرار نشأت گرفته است. فضاسازی و طراحی متفاوت و ساختار شکن اجرا و درخشش بازیگران جوانی که برای نخستین‌بار روی صحنه رفته‌اند شاید مهم‌ترین دلایلی باشد که «+ حقوق» را به اثری قابل تامل بدل می‌کند.

نکته

ما این اجرا را در شرایط سختی روی صحنه آورده‌ایم. هیچ حمایتی از ما نشد. این گروه جوان همه دست در دست هم دادند و کار را به ثمر رساندند اما کمبود منابع مالی بعضی جاها باعث شد خیلی از ایده‌ها را اجرا کنیم

↙ «+حقوق» یک نمایش خاص و متفاوت به لحاظ متن و اجرا از نویسنده‌ای است که کمتر در ایران شناخته شده است. یک اجرای متفاوت که قاعده‌های مرسوم درام را برهم ریخته است. با توجه به اینکه قرار بود با یک گروه دانشجوی جوان این نمایش روی صحنه برود چرا چنین متن پیچیده و نامتعارفی را انتخاب کردی؟

واقعیت این است که فضای دانشگاهی ما در رشته‌های هنری چندان پرطراوت و پویا نیست و سطح انگیزه و میل به موفقیت در اغلب دانشجوها پایین است. حالا در این میان، من به‌عنوان یک معلم جوان باید علاوه بر انتقال دانش، بر رخوت جاری در این فضا هم غلبه می‌کردم و بچه‌هایی را که مایه‌ای داشتند به سمت تجربه‌ای عملی هدایت می‌کردم. به همین خاطر سراغ متنی رفتم که از لحاظ سبک و مضمون برای خودم جذاب چالش‌برانگیز باشد و به آنها نشان دهد چه توانایی فوق‌العاده‌ای دارند و با خودباوری هر ناممکنی ممکن می‌شود.

↙ «+ حقوق» هم در شیوه اجرائی و هم ساختاری براساس تکرارهای مداوم شکل می‌گیرد که انعکاس ساختار بیمار و آزاردهنده بوروکراسی هستند که در بسیاری از جوامع وجود دارد و باعث ذوب‌شدن افراد در دل آن تکرارها می‌شود. آدم‌های نمایش در چرخنده‌های فرسایش‌آور یک سازمان گسترده در حال فروپاشی‌اند اما هر لحظه منتظرند تا منفذی باز شود و تغییر اندکی در زندگیشان رخ دهد. این منفذ گاهی این است که به درون اتاق رئیس بروند و بتوانند درخواست اضافه حقوقشان را مطرح کنند. شما در این تکرار مرحله‌به‌مرحله پیش می‌روید. شاید هم هیچ پیش‌روی در کار نباشد و تمام این حرکات توهمی بیش نباشد. این متن از یک نظر برای من حس و حال روح کارهای کافکا مثل رمان «قصر» یا داستان «جلوی قانون» را داشت که تصویرگر آدم‌هایی است که تقدیرشان نابودی در یک فضای لابیرنت‌گونه است. همه ما زمانی که وارد یک روند بوروکراتیک می‌شویم قدم به یک لابیرنت می‌گذاریم. موفقیت جلو رویمان است اما مدام پیچ‌وتاب می‌خوریم و ذره‌ذره بی‌آنکه دستاوردی داشته باشیم نابود می‌شویم. در اجرای «+ حقوق» هم تماشاگر و اجراگر دائما در این هزار تو بالا و پایین و چپ و راست می‌شوند و در این رفت و آمدها تجربه حسی زندانی‌شدن در چنین زندان‌هایی را با روح و جسمشان لمس می‌کنند.

در این اجرا برخلاف شیوه مرسوم تئاتر به جای تغییر صحنه، تماشاگران را جابه‌جا می‌کنی. ما به‌عنوان تماشاگر شیوه‌هایی از این دست را به صورت محدودتر مثلا در دیوار چهارم امیررضا کوهستانی و کارهای حمید پورآذری نیز تجربه کرده‌ایم، اما این نمایش از ابتدا تا انتها در همین فضای تو در تو چرخ می‌زند و حس سرگردانی و سرگشتگی را عینی می‌کند. شاید اگر تماشاگر مانند یک تئاتر معمولی در یک فضای آرام می‌نشست و کار را می‌دید هرگز تجربه حسی‌ای که مدنظرمان بود تأمین نمی‌شد. ایده اجرائی اثر به طور مشخص و کامل از درون متن آمده و انتخاب این قالب اجرائی یک امر تزئینی نبوده است. اساسا برای من کارگردانی‌کردن تنها ساختن تصاویر مرعوب‌کننده و زیبا و بازی با واژگان نیست. تئاتر باید حرفی برای گفتن داشته باشد و این حرف را در تمامی ارکانش بزند. صحنه، بازیگر، لباس، نور و...؛ کارهای کوهستانی و پورآذری مثال‌های خوبی از این هماهنگی هستند و من همیشه از دیدنشان لذت برده‌ام. اما در این اجرا تمام تمرکز من بر ساختن کالبد مناسب برای روح متن بود. باید فرایندی سیزیف‌وار را شکل می‌دادم تا تماشاگر هم ببیند و هم لمس کند.

↙ شخصیت‌های این اجرا شکل خاصی ندارند. اسم‌هایشان هم براساس قواعد ریاضی شکل گرفته است. مثلا فرضیه مثبت یا احتمال یا نتیجه. اما دراین‌بین تنها فرضیه منفی است که با کاراکتر نتیجه یکسان گرفته شده است. کاراکترهای حاضر در صحنه آدم‌های مستقلی نیستند در حقیقت این پنج‌نفر، بازتاب‌دهنده یک نفر هستند. این تفکیک توسط ماست که اتفاق افتاده است. اینکه فرضیه منفی که نقش آن را محمد کارخانه بازی می‌کرد با انتخاب یکی است به این دلیل است که بیشتر ما از دل فرضیه منفی به جواب می‌رسیم. حداقل خود من در انتخاب‌هایم ابتدا گزینه‌های منفی را بررسی می‌کنم و براساس آن تصمیم می‌گیرم.

شخصیت احتمال هم با کلیت جمع، چه به‌لحاظ شکل و چه به‌لحاظ نوع بازی متفاوت بود. احتمال به این دلیل شکل نداشت که به نظرم به‌گونه‌ای انتزاعی بود. مریم اسکندری که در این نقش بازی می‌کرد، شبیه سایر آدم‌ها نیست. او شبیه پستچی‌ای است که به نظر بیشتر از بقیه سابقه دارد و این فضا را می‌شناسد و می‌داند در انتهای این مسیر خبری نیست و اضافه‌حقوقی در کار نیست. او از سر ناچاری با بقیه همراه شده است و از همه عمیق‌تر، پوچ‌بودن این روند را درک کرده. مثلا در صحنه اتاق کنفرانس که شبیه رئیس سر همه داد می‌زند و آنها را فراری می‌دهد، کاراکتر احتمال می‌ایستد، چشم در چشم شبیه رئیس تا بگوید زیادی خودش را جدی نگیرد این بازی است و همه می‌دانند که رئیس هم مترسکی بیش نیست. این شخصیت از دید من شبیه شخصیت سیاه در نمایش تخت‌حوضی ماست. او هم می‌داند هیچ تغییری در داستان رخ نخواهد داد ولی همراه دیگران مشغول بازی می‌شود و هرجا لازم است پوچ‌بودن را یادآور می‌شود. مثل نقش و کارکردی که دلقک‌ها در اغلب آثار دراماتیک دارند.

↙ می‌دانم که برای این اجرا با مشکلات زیادی روبه‌رو بودید که مهم‌ترین آن پیداکردن سالن بود.

همان‌طور که گفتم، ما این اجرا را در شرایط سختی روی صحنه آورده‌ایم. هیچ حمایتی از ما نشد. این گروه جوان همه دست در دست هم دادند و کار را به ثمر رساندند اما کمبود منابع مالی بعضی جاها باعث شد تا نتوانیم خیلی از ایده‌ها را اجرا کنیم. مثلا خود من با اینکه هیچ تجربه‌ای در صحنه و لباس نداشتم، مجبور شدم طراحی صحنه و لباس انجام دهم و همراه بچه‌ها آن را اجرا کنیم. چون ما ایمان داشتیم در حال اجرای یک کار حرفه‌ای هستیم. الان هم تبلیغات زیادی نداریم و با همین حداقل‌ها و کمک‌های خود بچه‌ها و البته دو حامی ادامه بقا می‌دهیم. این دو حامی یکی گالری محسن بود که مکان اجرا را در اختیار ما قرار داد و دوم هم یکی از دانشجویان که به‌لحاظ مالی بخشی از هزینه‌های اجرا را تقبل کرد و البته رضا حیدری که به‌صورت افتخاری و بدون دریافت دستمزد کار نور ما را انجام داد و غیر از این همت بچه‌ها بود که این ناممکن را ممکن کرد.

از چشم شرقی

درحاشیه نمایشگاه کتاب مسکو(۳)
نجیب محفوظ و سرزمین عجایب

علی شروقی

• غرفه‌های ناشران روسی کتاب کودک از فرط تنوع و شادابی رنگ و تصویرسازی به سرزمین عجایب می‌مانند. امکان ندارد در نمایشگاه کتاب مسکو زمانی را صرف تماشای کتاب‌های این غرفه‌ها نکنم و این جاذبه‌ای است که متأسفانه بیشتر کتاب‌هایی که در ایران برای کودکان منتشر می‌شوند، از آن بی‌بهره‌اند. حقیقت این است که در بیشتر موارد شکل کتاب‌های کودک در ایران بچه‌ها را به خود جذب نمی‌کند و اگر هم جذب کند بر سلیقه بصری‌شان تاثیر منفی دارد. در این کتاب‌های خوش‌نقش‌ونگار روسی نمی‌دانم چه نوشته شده اما قیافه‌شان به‌شدت جذاب است و آدم بدش نمی‌آید باوجود روسی‌ندانستن آنها را بخرد. غرفه‌های کتاب کودک در نمایشگاه کتاب مسکو بسیارند و ضرر نمی‌کنیم حالا که فرصت میهمان ویژه‌شدن در این نمایشگاه دست داده، نگاهی جدی‌تر به این کتاب‌ها بیندازیم. در غرفه‌های ناشران روسی کتاب بزرگسال هم اوضاع کیفیت چاپ بهتر از ماست. در یک غرفه کوچک چشمم به دوره آثار نیچه می‌افتد. آرزوی بوالهوسانه‌ای است اینکه آدم بخواهد دوره آثار نیچه به زبان روسی را به‌خاطر قیافه کتاب بخرد؛ اما دیدن این کتاب بهانه‌ای می‌شود که سر صحبت را با مردی که در غرفه نشسته باز کنم. کتاب‌هایش بیشتر فلسفی‌اند. می‌پرسم الان در روسیه کدام فلاسفه را بیشتر می‌خوانند؟ به طنز می‌گوید که دوره فلسفه گذشته است. صحبت که جدی‌تر می‌شود کتابی هم از آدورنو نشانم می‌دهد. یک غرفه دیگر کتاب‌هایی را به زبان‌های عربی و روسی می‌فروشد. کتابی هم از آیزایا برلین بین کتاب‌های عربی‌اش هست. خانم مسنی که در غرفه نشسته است می‌گوید که ناشر کتاب‌های مصری به زبان روسی است. سه کتاب به روسی ترجمه‌شده هم از نجیب محفوظ دارد. می‌پرسم ادبیات ایران را هم می‌شناسد؟ می‌گوید نه. گاهی تصویر حقیقی‌تر را این ناشرانی که تصادفی به آنها برخورد می‌کنیم به دست می‌دهند. موضوع این است که زمانی می‌توان از شناخته‌شدن در کشوری دیگر سخن گفت که ناشری خودش کتابی را از ما برای ترجمه انتخاب کرده باشد و این در مورد ترجمه ادبیات داستانی ما به زبان‌های دیگر خیلی کم اتفاق می‌افتد. از جهانی‌شدن زمانی می‌توان سخن گفت که فرایند ترجمه ادبیات ما به زبان‌های دیگر از مجراهای طبیعی‌اش اتفاق بیفتد و نیز، هنگام ارائه ادبیات خود به دیگری، سنجیدگی در انتخاب باید داشت نه ملاحظاتی بی‌ارتباط با ادبیات. روسیه کشوری است که یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان رمان یعنی میخاییل باختین از آن سر برآورده است و با توجه به سنت قدرتمند رمان‌نویسی روسیه البته طبیعی‌ترین اتفاق هم هست اینکه باختین در این کشور ظهور کند. در یکی از نشست‌های ادبی که در غرفه ایران در نمایشگاه کتاب مسکو برگزار شد، خانم مالچانووا، استادِ روسِ ادبیات فارسی، به تأثیرپذیری گارشین، نویسنده قرن نوزدهمی روسیه، از داستان لاک‌پشت و مرغابی‌ها در «کلیله و دمنه» اشاره کرد. همچنین به اینکه یک ایرانی با شنیدن شعری از یسنین به او گفته که وزن این شعر مثل وزن شاهنامه است. بله ادبیات روسیه از ادبیات کلاسیک ایران تأثیر پذیرفته است. اما ما آیا قلق‌های رمان‌نویسی را آن‌گونه که باید، از رمان کلاسیک روسی و کلا از سنت رمان‌نویسی جهان آموخته‌ایم؟ چقدر آموخته‌ایم؟ و از ادبیات کلاسیک خودمان چطور؟ نجیب محفوظ از هر دو آموخته بود.

زیر آسمان فیروزه‌ای

استقبال از «تابو» در جشنواره مونترال

شرق: فیلم سینمایی «تابو»، به کارگردانی خسرو معصومی، تنها نماینده ایران در بخش مسابقه اصلی جشنواره مونترال بود. این فیلم دو نمایش در تاریخ ۹ و ۱۳ شهریور در جشنواره مونترال داشت که بنابر گفته خسرو معصومی، کارگردان این فیلم سینمایی، با استقبال خوبی از سوی تماشاگران روبه‌رو شد. با توجه به اینکه هیچ‌یک از فیلم‌های ایرانی حاضر در این جشنواره موفق به کسب جایزه نشدند، اما ارتباط خوبی با تماشاگران برقرار کردند.خسرو معصومی که برای نمایش دوم فیلمش به جشنواره مونترال رسیده بود، درباره استقبال تماشاگران از فیلمش به «شرق» گفت: در جلسه نقد و بررسی فیلم با نظرات جالبی از سوی تماشاگران مواجه شدم. قصه فیلم که برای برخی جالب و تأثیرگذار بود و اینکه چقدر عمیق به مسائل زنان نگاه شده بود و از سوی دیگر بازی بازیگران توجه بسیاری را به خود جلب کرد.او ادامه داد: خوشبختانه نظرات منتقدان نیز نسبت به فیلم مثبت بود و دیدن این فیلم همراه با مردم در این جشنواره برایم تجربه جالبی بود.معصومی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: متأسفانه من به نمایش فیلم محمدرسول‌الله(ص) در جشنواره نرسیدم اما خبرهایش را دنبال می‌کردم اما خوشبختانه آقای مجیدی برای دیدن فیلم من آمد و برایش عجیب بود که این فیلم در ایران هنوز اکران نشده است

شرکت ملی نفت ایران
مدیریت اکتشاف

آگهی فراخوان شناسایی پیمانکار
نوبت دوم

موضوع: مناقصه ۹۴۱۱۱ تامین خدمات اداری اپراتوری- نامه رسانی ایمنی و راهبری خودروهای سبک تهران
مدیریت اکتشاف-شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی ذیل (طبق شرایط و اسناد مناقصه) از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای به شرکتهای واجد شرایط واگذارنماید.
الف) شرح مختصر عملیات مورد نیاز:
تامین خدمات اداری، اپراتوری، نامه رسانی، ایمنی وراهبری خودروهای سبک تهران
ب)مدت اجرا:مدت اجرا خدمات ۲ سال .
ج)محل اجرای خدمات:تهران
د)شرایط متقاضی:
۱ -داشتن شخصیت حقوقی
۲ -داشتن امکانات، تجهیزات مناسب و نیروی انسانی
۳ -داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه
۴ -داشتن توانایی ارائه ضمانتنامه بانکی شرکت در مناقصه به مبلغ ۱/۱۰۶/۱۶۰/۰۰۰ ریال و در صورت برنده شدن ارائه ضمانتنامه حسن انجام کار طبق ضوابط کارفرما، مندرج در اسناد و مدارک مناقصه.
۵ -دارا بودن دفتر نمایندگی تهران
ه)مبلغ برآورد کارفرما: ۵۵/۰۵۷/۷۰۴/۷۲۶ ریال
متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند « د » فوق می باشند و آمادگی اجرای پروژه را دارند می توانند حداکثر تا تاریخ (۹۴/۰۶/۳۱) ضمن ارائه درخواست کتبی جهت شرکت درمناقصه به همراه مدارک ذیل به امور حقوقی و قراردادها مدیریت اکتشاف به نشانی:
تهران، میدان شیخ بهایی، ابتدای خ سئول، بن بست یکم، ساختمان مدیریت اکتشاف، طبقه دوم امور حقوقی و قراردادها مراجعه نمایند.
-اعلام آمادگی و تقاضای شرکت در مناقصه با ذکر آدرس و شماره تلفن ثابت و همراه و کدپستی
-مدارک رسمی شرکت از جمله اساسنامه،آگهی تاسیس، روزنامه رسمی و آگهی آخرین تغییرات و شناسه ملی
-تاییدیه از کارفرمایان قبلی
-سوابق و تجربه کاری مرتبط
(مطابق استانداردهای مالی رایج صنعت نفت)
-لیست کارکنان کلیدی که پس از برنده شدن در مناقصه بایستی در انجام پروژه حضور کامل و موثر داشته باشند.
-ارائه آخرین گواهی صورتهای مالی حسابرسی شده
-ارائه گواهینامه و استانداردهای اخذ شده مرتبط با کار آن شرکت از مراجع ذیصلاح (تاییدیه وزارت کار و امور اجتماعی،...)
-ارائه گواهینامه از وزارت کار و امور اجتماعی محل ثبت شرکت بابت شرکتهایی که از سایر استانها متقاضی شرکت در مناقصه می باشند.
-اعلام توانمندی مالی و تعهد داشتن برای انجام پروژه
مدارک مناقصه بین پیمانکاران واجد شرایط که به تشخیص کارفرما از بین متقاضیان انتخاب خواهند شد، توزیع خواهد گردید. بدیهی است ارائه مدارک فوق الذکر هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.
در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می توانند با تلفن ۸۲۷۰۳۲۰۹ تماس حاصل نمایند.
Www.SHANA.ir
Www.niocexp.org
WWW.IETS.MPORG.IR
روابط عمومی مدیریت اکتشاف